

\*\*\*

پژوهش و نگارشی از سخی صمیم:

## قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت نهم

قوه قضائیه افغانستان علی الرغم تسجيل استقلال خویش در متون قوانین، حیات سیاسی خود را تحت شرایط اختناق و سلطه های زورمندانه بعضی از رژیم ها بطور علنی و یا هم بگونه مکتوم در قید و بندهای مرئی و غیر مرئی به سر برده است.

\*\*\*

همانطوریکه در قسمتهای گذشته ملاحظه فرمودید، قوه قضائیه افغانستان علی الرغم تسجيل استقلال خویش در متون قوانین بطور اکثر تحت شرایط اختناق و سلطه های زورمندانه بعضی از رژیم های صاحب اقتدار بطور علنی و یا هم بگونه مکتوم حیات قضائی خود را زیر ابرهای سنگین سیاه در قید و بندهای مرئی و غیر مرئی به سر برده است.

در زمان سلطه برخی از رژیم های سیاسی که با قراردادن نام دموکراسی در سر لوحه حکومت داری خود ها تفکیک قوای ثلاثه را در سیستم کار و سیاست خود ها پذیرفته و آنرا به رسمیت شناخته اند که قضا نیز به صفت قوه مستقل در جنب دوقوه دیگر یعنی قوه اجرائیه و تقنینیه شامل آن بوده ولی شرایط استفاده از این آزادی هیچگاهی به معنی واقعی آن برایش میسر نبوده است.

تجربه نشان داده است: زمانیکه قضاء به اساس رونوشت قوانین کسب استقلال نموده و اراده استفاده از استقلال را نموده اند بلادرنگ در ساحة عمل و اجرای قانون مشکلاتی از درون دولت بویژه قوه اجرائیه، پولیس مخفی، بطور آشکار و پنهان ایجاد و این معضله روز بروز حاد و جدی تر گردیده و حتی در بعضی مناطق سبب انزوای قانون و تأمین عدالت شده است.

اشتباه نشود منظور من درین یادداشت کدر های رهبری و یا اداراتیکه به سیاست دولت و احکام قوانین ایمان داشته و مفهوم واقعی تفکیک قوا و نظام سیاسی خود ها را آگاهانه و مسؤولانه درک و اراده به سر رسانیدن ارمان مردم راداشته اند نمیباشد من نمیخواهم نظام سیاسی را بطور کُل محکوم سازم زیرا من نه تنها توانائی و قدرت چنین بحث بزرگی را ندارم این جستار هم گنجایش و جای آن را ندارد، ما باید عامل و فاعلیکه از مقام و چوکی سؤ استفاده می کنند بشناسیم و آنرا مسؤل جدی بدانیم.

حقیقت اینست که حکومت و قوه اجرائیه در مملکت از قدیم الایام نسبت به دو قوه دیگر دارای قدرت های رسمی و غیر رسمی زیاد تر بوده و افراد جامعه هم در حالیکه از احکام قوانین آگاهی کامل ندارند ایشان را صاحب اختیار عام و صلاحیت دار تام می شناسند بدین معنی استقلال قضاء و اجرائیاتیکه توأم با صلاحیت قانونی و مطابق اوامر قانونی - مگر خلاف خواست و میل آنها صورت میگیرد برای بسا ادارات دولتی و امنیتی و اشخاص صاحب قدرت ملکی و نظامی انعکاس خوبی نداشته و آنرا کسر شأن برای اقتدار خویش تلقی می کنند. آنها خواست و اراده خود ها را بالاتر از احکام قوانین دانسته و اداره قضا و دادگاه

را به زعم خود ها بخشی از اداره کاری خود می شمارند و صلاحیت و استقلال قضاء را سبب بی صلاحیتی و تقلیل قدرت خویش به حساب می آورند.

## مداخلات مستقیم و یا غیر مستقیم ادارات دولتی در امور قضاء:

درین چند سال اخیر و یا چند دهه ی نزدیک تاریخ میهن ما شاهد کارکردها و سرگذشتی عجیبی بوده است که نمی تواند آن را از یاد ببرد که در آن جمله سرگذشت قوه قضائیه و یا دستگاه قضائی وطن نیز شامل است که فراز و نشیب زیادی را دیده و آن را تحمل کرده است که از آن در بخشهای گذشته ازین جستار طور مفصل یاد کردم که منجمله مداخلات غیر قانونی حکومت و ادارات و اشخاص دولتی در امور محاکم و قضاء بوده است ولی مهم اینست که انگیزه های این مداخلات چی بوده است و چرا چنین اعمالی صورت می گرفت و یا می گیرد؟:

## علل و انگیزه های مداخلات غیر قانونی در امور قوه قضاء:

من از تجارب و دیده های عملی ناچیز خویش که در عرصه قضاء و زمان کاری خویش دیده ام آنچه مغزم یاری کند خدمت تان عرضه می دارم:

همانطوریکه گفته آمدیم: عدم آگهی بعضی ها از سیاست و پالیسی نظام سیاسی، فهم لازم از احکام قوانین و یا شیوه دادرسی و دادگستری در مملکت سبب میشود که بعضی از ادارات و مامورین دولتی بویژه اداره های امنیتی و نظامی برخلاف اوامر قانون و نظام حقوقی کشور در امور قضاء دست درازی و هرچه را طرف پسند و قبول خود پنداشتند آنرا قابل قبول و اجرا می دانند و امر تعمیم آنرا صادر می کنند و دادگاه را نیز مکلف به اجرای آن می پندارند. چنین طرز برخورد و تجاوز بر حریم قوانین و تطبیق و اجرای آن زیاد تر در جاها و محلاتی دیده میشود که در آن افراد مقتدر حکومت محلی بویژه قدرتمندان نظامی خود ها را همه کاره و صاحب اختیار می شمارند.

جالب این است که اکثریت ادارات دولتی و مدیریت کنندگان آن که شرکای حاکمیت نیز هستند در حقیقت از احکام قوانین و سیستم دولت مداری آگاهی دارند ولی گاه گاهی در تضاد با این فهم و دانش خویش آگاهانه احکام قوانین را نادیده انگاشته و خلاف احکام قانون در امور قضائی مداخله می نمایند و میخواهند تقاضاهای خلاف قوانین را بردادگاه و محاکم تحمیل نمایند طبعاً پذیرش چنین خواسته ها ایجاب نقض احکام قوانین و تحریف عدالت قضائی و نظام حقوقی در مملکت را می نماید که به زعم ایشان بایست وسیله محاکم عملی گردد و نقطه قابل عطف این است که تقاضا و یا اجرای چنین خلاف کاری ها از دادگاه و قضاء که مرجع تأمین عدالت و مسئول و جوابگوست به عمل می آید، چقدر دشوار و تلخ است که اجرای چنین اعمال و پی آمد منفی آن بر محاکم و قضاء تحمیل و خود پیش از پیش سند بیغرضی خود را به بکس ذخیره خویش نگهدارند. چنین پیش آمد ها اکثراً در ولایات کشور مشهود بوده و عملاً کار قضاء را به مشکلات روبرو و مانعی در راه عدالت قضائی ایجاد می کنند.

## مزاحمت های اداره امنیت (پولیس مخفی):

نوع دیگری ازین عوامل که به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم و دور از انظار عامه بطور غیر مرئی صورت میگرد مداخلات مکتوم ادارات و افراد امنیتی یا پولیس مخفی کشور در امور قضاء است این نوع برخورد ها نیز اکثراً در تضاد با احکام قوانین اساسی و حرمت استقلال قضاء بوجود می آید. تعیین نماینده پولیس مخفی در اداره قضاء که عموماً وسیله یکی از مسئولین این ارگان ظاهراً به منظور جمع آوری اطلاعات

در داخل ادارات قضائی جهت نشان دادن زهرچشم و ایجاد رُعب صورت میگیرد کاملاً در مخالفت صریح با احکام قانونیکه استقلال قضاء را تضمین نموده است قرار دارد.

منظور من ازین مطلب رد تمام دستگاه اطلاعاتی در امور قضاء نیست من شخصاً طرفدار جمع آوری اطلاعات دقیق و کافی از عملکرد منفی و مثبت دادگاه و قضاء فقط وسیلهٔ قوهٔ قضاء هستم تا قوهٔ قضاء با وسایل و طریقیکه لازم بینند در راه به دست آوردن آگاهی های لازم از کوایف و چگونگی کار دادگاه و قضات به گونه ایکه حیثیت آبروی دستگاه قضاء در امان و سلامت قرار گیرد اقدام فرمایند. با جمع آوری اینگونه اطلاعات رهبری قضاء میتوانند شایسته ترین قضات را شناسائی و از اعمال نیک آنها قدرشناسی و آنها را طرف تفقد قانونی قرار دهند و اعمال منفی و تخلف قانونی قضات بایست به اساس همین اطلاعات و ارزیابی های بعدی و علم آوری های مدلل تحت پیگرد شدید و بیرحم قانونی قرار گیرد تا عبرتگاهی به رهروان راه خیانت و پامال کنندگان نظام قانونی و حقوقی شود فراموش نکنیم که قاضی و دادگاه درحقیقت مسند امید برای داد گستری، مرجع و محل برای اعادهٔ حق مظلوم از ظالم، حافظ منافع جامعه در مقابل تجاوز گران بحریم قانون و اخلا لگران امنیت و نظم اجتماع و مرجع اعتماد برای حفاظت نظام حقوقی، حقوق فامیل و نوامیس افراد جامعه و غیره و غیره شمرده میشود، پس نشأت خیانت ازین مسند بایست در زمرهٔ جنایات نابخشودنی توأم با حالات مشددهٔ جرمی به حساب آید و مستوجب شدید ترین مجازات شناخته شوند. به هر صورت:

گفتارم تبارز دهندهٔ این مطلب است که قوهٔ قضا نباید دست نگر اطلاعات دست دوم و سوم قرار گیرد و یا اطلاعاتیکه ناشی از جهات گوناگون و اقعیت های اجتماعی و اداری مملکت ما مایه می گیرد قرار داشته باشد تصمیم متکی به اطلاعات اشتباه آمیز بازی با سرنوشت قضات و عدالت قضائی و اجتماعی است. اگرچه تجارب چند سال اخیر دایر بر مداخلات اطلاعاتی نشان داد که اکثریت ما حصل چنین مداخلات در امور قضاء کارکرد ها و داشته های منحصر به اداره و دستگاه خاص خود آنهاست ولی بسا اوقات اطلاعاتی راکه به هر اسم و رسمی گرد آورده اند در موضوعات خاص و یا عام قوهٔ قضاء را نیز شریک آن ساخته و خواهان ترتیب اثر به آن شده اند. به هر صورت چنین دستگا های اطلاعاتی که در وطن ما از مدت های مدیدی به این طرف جایگاه ترس آور و مخوفی بخود گرفته است ظاهر شدن نماینده و یا کارمند آن در اداره و دستگاه قضاء به هر نام و نشانیکه باشد مداخله در امور قضاء و ایجاد کنندهٔ فضای نا مساعد برای تأمین عدالت پنداشته میشود.

## تقاضای گذارش و مصاحبه های بیموقع:

مشکل اساسی دیگریکه درین اواخر (بویژه زمان حاکمیت کرزی) بوجود آمد محاکم و قضات را تحت تأثیر خود قرار داده و تأمین عدالت را متزلزل و در راه تحریف عدالت قضائی بطور علنی تأثیر بر انگیز گردید و تبلیغات و نشر بسا فیصله ها و چگونگی اصدار احکام محاکم قبل از انجام فیصله های نهائی از طریق رسانه ها بطور زنده و تصویری بر پایهٔ شکایت های یک جانب قضیه و یا برداشت و تصور تعداد از اشخاصیکه خود ها را نمایندهٔ این یا آن سازمان و ادارات معرفی و پیش از پرسش و سوال تعریف عدالت می کنند و از تطبیق احکام قانون سخن می رانند و از بیعدالتی دادگاها گذارش تهیه و بدون تأمل اجرائات و احکام صادرهٔ محاکم را فقط جهت گرمی بازار خویش چنان به خورد مردم و جامعه میدهند که گویا قضاوت های انجام شده از جانب دادگاه ها صد در صد خلاف موازین عدالت و صراحت نص قانون بوده و جانب شاکی را چنان ذیحق و یا بیگناه نشان میدهند که گویا محاکم با یک نوع دشمنی واضح و آشکار، او را عمداً محکوم به مجازات ساخته و یا در صدور احکام آنها اهداف و انگیزه های دیگری مضمربوده باشد. دیده میشود قضات طور زنده ظاهراً بمنظور توضیح و یا معلومات اما درحقیقت طرف استجواب قرار میگیرند تا دلایل و اسباب احکام صادرهٔ خویش ادرار تباط به قضیهٔ مشخص توضیح و تشریح بدانند اگر مجرم

را محکمه محکوم بجزای سنگین کرده است سوال(چرا؟) پیدا میشود و اگر محکوم جزای خفیف دیده است باز هم همان سوال مطرح است و با لاخیره اگر متهم تیرئه شده باشد سوال چرا بمراتم و با لحن عجیب و غریبی تکرار میگردد.

و به همین منوال بسا اوقات احکام صادره محاکم در نیمه راه قبل ازینکه مراحل نهائی خود را طی و حکم نهایی تثبیت شود جهت ابراز نظر به پیشگاه اشخاص مختلف که آنها را حقوقدان و یا صاحب نظر می خوانند ارائه و خواهان ابراز نظر آنها بر چگونگی احکام صادره محاکم میگرددند، همینجاست که حقوقدان و یا صاحب نظر بدون صلاحیت قانونی خود و ورود به پرونده یا آگاهی از شرایط قضائی فقط و فقط احکام صادره را غیر موجه و غیر عادلانه میخوانند و خود را کار آگاه تر از محاکم وقاضی قلمداد و مرجع نقض و ابرام می شمارند و صلاحیت دادگاه عالی را بخود اختصاص میدهند.

بر باور من پیش داوری خواهد بود اگر با چنین دید سرسری و نا سنجیده خود را به جایگاه عالی ترین مقام قضائی کشور قرار داده از خطای احکام قانون و احکام صادره محاکم حرف زده شود و عدالت را معدوم و منقوض بخوانیم.

اگر این طرز برخورد با محاکم را صرف نظر از همه ملحوظات جانبدارانه تنها به منظور تأمین عدالت قضائی در نظر گیریم وبدون هرگونه کج نظری ها آن را در راه تحریف عدالت مؤثر بدانیم به این نتیجه دست می یابیم که: محاکم هیچگاهی حکم منزل لا یتغیر آسمانی صادر نمی کنند، حکم محاکم منحصر به رؤیت مندرجات اوراق مرتبه استوار بوده و متهم را مدلل بر همین بُنیاد محکوم به مجازات و یا مُبرا از اتهام شناخته تبرئه می کنند، البته در تعیین و تقدیر جزاءقانون اساسگذار است نه قاضی، وقاضی تنها متناسب با جرم و جزا اصدار حکم می نماید بدین مفهوم اگر تصور کنیم که دادگاه وقاضی مرتکب خطای قانونی و یا تخلفات عدیده دیگر و یا هم عمدن از حکم قانون سرپیچی نموده باشند این خیانت وقانون شکنی از نظر محاکم علیای مملکت پوشیده نمی ماند زیرا اوراق و فیصله های محاکم مرحله به مرحله تا دید دقیق دادگاه عالی می رسد و دادگاه عالی تخلفات محاکم را تشخیص و تصمیم مقتضی اتخاذ می دارند.

*مستنداتی از اعمال خلاف قانون علیه ریاست محاکم ولایت بلخ در زمان تصدی وظیفه خودم: لطفن در آینده بخوانید.*

*ادامه دارد. باحرمت سخی صمیم.*

\*\*\*